م الم مرويلر | شنبه ۳۰ خرداد ۱۳۹۴ | سال سوم | شماره ۵۹۲

دفاظت از مح

- 1:1-

حفاظت از محیطزیست تاثیر گذار بودهاند. مثلا زمانی که سریال «پایتخت»» پخش میشد، مردم بسیار نسبت به جامعـه «محیطبانان»

ابراز همدردی و همراهیی می کردند. ما تاکنون

برر مستریکی می ترسی می ترسی می ۱۱۶ محیطبان را در درگیری با جامعه محلی و شـکارچیان غیرقانونـی از دست دادهایـم و سریالهایی نظیر «پایتخت۳» احساسات مثبت

ریان مردم و محیط بانان را افزایش دادند.» او در ادامه تأکیسد می کند که «خوشبختانه از زمان

پخش این سریال تاکنون ما هُیچ تلفاتی در مُیان محیطبانانمان نداشـــتهایم. اگر چنین اتفاقاتی

درخصبوص دیگتر انجثهای محیط; نسبیتی

از منابع آبي، شكار و...اتفاق بيفتد، يقين ميدانم

کر که شاهد تاثیرات خوشــایند بیشتری خواهیم بود.» مختاری هم مانند درویش به تاثیر گذاری

کشیدن را پیش می کشد و بیان می کند: «چطور

زمانی که در فیلمهای سینمایی شخصیتهای

ناستان سیگار می کشند، می گویند سیگاری که آنها می کشندو ژستی که می گیرند، روی

کا انهامی نستند و رسبی که می تیزند روی افراد تأثیر سوء می گیازد. بهطوری که برخی حتی با دیدن صحنهای که شخصیت داستان سیگار می کشد، هوس سیگار کشیدن به سرش می افتد، پس وقتی فیلمها می توانند تأثیر منفی بگذارند، تأثیبر مثبی هم می توانند بگذارند.»

فیلمها و سریالها پتانسل تأثیر گذاری روی مردم را دارند؛ اما اتفاق افتادن این تأثیر نیازمند

سیاستگذاری مسئولان در عرصه فرهنگ

و هنر است. اینها را مختّاری می گوید و اسّاره

ینما و تلویزیون اعتقاد دارد، او مقوله سیگار

ِ باله، آلودگی هـــوا، بهرهبرداری بیرویا



گزارشی در خصوص توجه به محیط زیست در سینما و تلویزیون

مردمتصويردرستي

ازمحيط زيست ايران ندارند

فرهنگی هزینه بالایی دارند. مثلا همین سریال «پُايتخت»» با عميليارد تومان بودجه ساخته شـد. درحالي كه كل بودجه معاونـت آموزش و پژوهش ســـازمان محيط زيست ۵ميليارد تومان ت.» به دليل همين بودجه اندگ و البته مشكلات زيستمحيطي متعدد نظير آلودكي هوا،ریز گردهای معلق،انقراض گونههای میوانی، خُشک شدن در یاچه ها یا در یاها، از بین رفتن جنگلها و هزاران مشکل از این دس سازمان حفاظت از محیطزیست نمی توان ب نمی تواند در فعالیتهای فرهنگی سرمایه گذاری به شرکل مستقيم داشته باشد. هُرچند که مختاری هم محافظت از محيط زيست راً تنها برعهده سازمان نمیداند و میگوید: «ســازمان میتواند متولی باشد و میان دســتگاهها یا هنرمندان علاقهمند . هماهنُگَــــ انحـــاد کند. امـــا لزوما قرار انس سرمایه گذار این کارها یا مجری شــان از مان حفاظت از محیطز یست باشد.» به نظر او طراحی و جاانداختن مفهوم «حفاظت از مح برعهده سازمان است و دیگر نهادها همچون ،ر شــهرداری یا آموزش و پرورش می توانند در این راســـتا به ســازمان کمک کنند تا مردم هر کدام . تبدیل به سفیر آن یا حافظان محیط زیست شوند. همه میدانند سازمان اولویتهای متعددی دارد که باید به آنها رسیدگی کند. به اعتقاد مختاری فعالیتهای ترویجی سازمان اهمیت بیشتری دارندو سازمان حفاظتاز محیطزیست بایدروی ین نوع فعالیتها تمر کز داشته باشد؛ «بازوهای بن اثر گذاری بر مردم کسانی هستند که ه تبلیغــات را خیلیخوب میشناســند.» ناگفته نماند که این کار گاههای آموزشی کهسال پیش سازمان بر گزار کرد، به گفتــه درویش نتایجی داشتهاند؛ «بعد از این کار گاهها بود که موجی از فیلمسازی در زمینه محیطزیست در رسانه ملی به راه افتـــاد و مجموعههایی نظیـــر «اصل ۵۰»، «سرزمین من»، «سلام تهران»، «طبیعت ۳۶۰»، «تعطیلات» و ـ همه به موضوعات محیط زیستی پرداختند.» بهُغیــر از اینُ کاُرگاهها، مســُ ســازمان با برخــی از فیلمســازان نظیــر ئەلار: بازان نظیہ کمال سترمان بابرحــی از فیلمستران نظیتر دمان تبریزی، رخشان بنی اعتماد، ابرالفضل جلیلی و... ملاقاتهای جداگانهای داشتهاند. چند باری هم اهالی خانهسینمامیهمان آنهاشدهاند.بااین حال هماين فعاليتها كافي نيستندو نمي توانند جلوى تخريب محيطزيست رابگيرند. حمايت معنوى سازمان

w.shahrvand-newspaper.i

از پروژههای محیطزیستی

لبته سازمان فعاليتهايي هم در زمينه ترويج حفاظت از مُحيطزيست داشته است. آن طور که درویش می گوید، سّـال پیش آنها شش کارگاه برای فیلمسازان، مستندسازان و برنامهسازان برگزار کردهانــدو در آن کارگاهها موضوعاتی که می تواند سوژه آنها در ساخت آثار شان قرار نگیر د ایی و نسرز به در سال می در این از ریاز با در رامطرح کردهاند. حتی سازمان از تمام پروژههایی که در راســـتای حفاظت از محیط زیست ساخته شــونُدُ، حمايت معنوى مَى كند. حُمايتى نظير استفاده از امكانات ســـازمان، اجازه ورود آنها به مناطق حفاظت شده، تأمين وسايل حمل ونقل، خورد و خوراک گروه سازنده یا حتی معرفی به اسپانسرها؛ «خیراوقتی خانم بنی اعتماد تصمیم گرفتند فیلمی براساس زندگی خانم مەلقا ملاح ندو نزدیک ه فعــال محيطزيســ ے جید ندرداند، بسازند سار طریق اسپانسے به این پےروژہ ۵۰میلیون تومان کمک کردیم.» تومان ۱۰: ۲ ما از طريق اسپانه

تعطیلینخُستینپارکمحیطزیستی وبازگشاییجشنواردمحیطزیستی

مان حفاظت از محيطزيست برنامه هم داشته که در آنها ناکام بوده، مثلاً بازگشایی بنمای محیطز یستے یا سینما ــتين ســـ تکمحیطزیستی ازجمله برنامههای سازمان بود که ســـینمایے در پار ک پر دیســان هم بهآن . اختصاص داشت. اما به دلیل بد مسیر بودن این سینما از آن استقبالی نشد و نخب محیطزیستی تعطیل شد. بهطوری که درویش می گوید: «ســینماهای خوب ما در بستر شهر خالی هستند، چه برســد به سینمایی که مردم مجبور هستند برای رسیدن به آن چند کیلومتر مسافت را پیادەروی کنند.» برگزاری جشنواره بینالمللـی فیلم ســبز بعد از هشتســال که قرار اســت دیماه امسال بر گزار شــود از دیگر برنامههایی است که ســازمان درصدد انجام آن در راستای ترویج حفاظت از مح محمد درويش بهترين راهحل براي فعاليت بیشتر هنرمندان در حیطه محیطزیست را تغییرنگاه آنهابه این مقوله میداند. او فیلم هانتر «The Hunter» را کم موضوعاش سرباز مزدوری است که از اروپا توسّط یک شـر کُتُ زیسـت فنــاوری مرموز مأمــور میشــود تا به «تاسمانی» برود و آخرین ببر تاسمانیایی را شکار کندرا مثال میزند که هم پرفروش بود و هم محیطزیستی. امین مختاری هم معتقد است سازمان باید به ایجاد انگیزه در هنرمندانی روی بیاورد که عاشق سینهچاک محیطزیست روی بیوزرت که همی سیمی که میتورست نیستند، همانند بعضی از فیلمسازان نظیر «مرضیه برومنت» یا «خسرو معصومی» که خودشان به دنبال این مسأله میروند. به نظر او سازمان باید معاونت جداگانهای برای فعاليتهاى ترويجى و تبليغى اش داشته باشد تا تک تک سازمان ها و جایی که امکان دارد در آنها روی حفاظت از محیطزیست کار شود را رصد کند. بدین شــکل فعالیتهای سازمان می تواند نتيجه محور باشا دو مردم را بیشتر به این امر دعوت و تشويق كند.

1

مختارى مابايداين فرهنگ را گسترش دهيم واين

بهترین شیوهای است کهمی تواندمنجر به حفاظت ز محیط زیست شود. او معتقد است، حتی برخی

ک که طبیعتگردی را در ایران ترویج می کنند، گاها تصویری از تخریب طبیعت را هم ارایه می کنند و

درسازماندهیفعالیتهایفرهنگی

زمینه چه نقشی دارد، سازمانی که می تواند با

اندكى پيگيرى اتفاقاتى از اين دست را سازماندهى

سازمانُ اُشاره می کند و توضّیح میدهد: «بودجه

ما بسيار حقير است و ما در كارهاي روزانه سازمان

نظير تأمين بنزين خُـودرو محيطبانان، پرداخت حق كشـف و خسـارت بـه دامـداران ماندهايم.

دليا ، اين كه دامداران و كشاورزان خودشان به

سمت حیاتوحش بورش می بر سد و حرس.. گرازها، پلنگها و... را می کشند، همین پرداخت خسار مهای دیرهنگام سازمان است. در چنین شــرا یطی قطعا مــا نمی توانیم کمک مــادی به فعالیتهای فرهنگی کنیم. خصوف فعالیتهای

یاتوحش یورش میبرنسد و خرسها،

نا هـر چندوقـت يکبار هنرمنــدان به ياه

ت نیفتند. در ویش بـــه بودجه اندک

ین سامدهای بدی به دنیال خواهد داشت.

نقش سازمان حفاظت ازمحيطزي

اما ســازمان حفاظت از محيط

محبط: س

عجیب و متفاوتی دارد، می گوید: بچهها هم نباید ز جنگل یا گرگهابترسـند، گرگ که برای همه از جنگل یا گرگها بترســند، گرگ که برای همه ماحیوانی درنده و ترســناک به نظر میرســد.اما درویش تصویر متفاوت تری از این حیوان نشــان میدهد؛ «گرگ یکــی از اجتماعی ترین حیوانات روی زمین است و بســیار با معرفت. چندی پیش یں۔ پی ہی۔ میں مستندی ساخت دربارہ شکارچی که می خواست گر گی را شبکار کند. اما زمانی که موفق نشد، به ســُراغ جَفت آن گرگ رفتُ و آن را کشت. این اتفاق سبب میشود تا گرگ مورد نظر از ناراحتی دست به خودکشیون تا در صورت طرد از از احتی دست به خودکشی برند و همین حادثه شکار چی داستان را آنقدر تحت تأثیر قرار می دهد که او تصمیم می گیرد تفنگش را کنـــار بگذارد و سروعیدیم ایی بیر محسن را حسر بیروی را در شروع به حمایت از حیوانات می کند. فعالیت های این مرد منجر می شود و این پار ک در آمریکا در سال ۱۹۳۰ ملی شهود و این پار ک ریہ کر تگاہ گرگھا اعلام شــود تا آنہا در آن من زندگی کنند.» سردبیر «سرزمین من» دراین باره میگوید: «چندی پیش کتاب «چگونه زبالهها را جمع کنیم» که برای کودکان بـود را میخواندم. و کشتار بیشتر مورد توجه بود. حالا فکر کنید این ننها تأثیر کلمات است، در حالی که تصویر به مراتب ۔۔۔ سب، در حالی که تصویر به مراتب می تواند تأثیر بالاتری بگذار د. برای همین است که باید فعالا، اس م دفعالان این عرصه را توجیه کنیم.» در فرهنگ ما، مردم برای پرندگانی نظیر پاکریم ها و لُکلک ها احترام قایل هستند. کسی آنها را نمی کشد. به نظر

•حجم آثار توليدشده در حوزه محيطز يست نسبت به حجم

بزرگ فعالیت های کانال های متعدد تلویزیون بسیار کمو ناچیز است. خصوصا آثاری کے کارگردانان بزرگ آن را ساخته باشند، به مرا تب در این زمینه

سینماگران حرفهای به مقوله محیطزیست به شکل موضوعی
جذاب، گیشه پسند و پر فروش نگاه

مینیاتور های ایرانی مراجعه کنید، تصویر بهتر و - - رز کی رز کی رز . واضح تری از شیر ایرانی می بینید.»به گفته او، این اتفاق در حالی می افتد که بسیاری از کمپانی های زرگ انیمیشن سازی خارجی دایما تصاویری ز طبیعت تولیـد می کنند و انیمیشـنهایی با ى ىحور يت خرس پاندا، سنجاب، شير و... مى ساز ند. بەطورىكە نوعى ھمذات پندارى و ش به موجودات را از کودکی در بچههایشان نهادینه ی کنند. مختـاری ادامه می دهد که «باور کنید ی طلاعات مردم ما در خصوص محیط زیست بسیار ضعيف و اندک است. همينن چندوقت پيش ر ەاى بە من مراجعە كردە بود و مىخواس یک شــکارچی شــیر به او معرفی کنم، چرا که مىخواهد شخصيت اول رمانش را شكارچى شير ايرانى قرار دهد. وقتى به او گفتم اصلا شير ايرانى نمانده که بخواهیم شکار چی ش را داشته باشیم، تعجب کرد.» او معتقد است رسانه ها در بسیاری از موارد اگر به سراغ محیط زیست رفتهاند، بیشتر به دلیل حوادث تحریبی و تهدیدی بوده است. برای همین مردم تصاویر درست و واقع گرایی از تايران ندار ند. ىجىط; سى

مىكنند

ىحيطزيست همىراه باشد. بحثى كــه معلوم

است مدیر دفتر مشار کت های مردمی سازمان

بودند بلكه ضدمحيط زيست بودند. نمونه اش فيلم

بر «آذر، شهدخت، پرویز و دیگران» آقای افخمی که

خره گرفته میشوند. او در پاسخ به این سوال که

آياساًزمانُ آنهامي تواندباآين نوع فيلمهابر خوردي

"" ناشته باشد، اظهار نظری نمی کند. چرا که سازمان صلا چنین اختیار اتی ندارد. اما درویش چند مثال

ديگرازفيلم هايي كه تخريب محيطز يست را تبليغ

مى كننددر ذهن دارد؛ «مثلادر فيلمى مى خواهند

یک پل عابُر پیادہ میرود و بُر گەای که در دُ

چند زاویے آن را نُشــانُ میدهد. یا چُنَــد بار فیلمهادیدهایم که مثلامیخواهندبگویند آدام

نحويد. آن وقت است که شخصیت آدامیر باش را

درمی آورد و به بیرون پسرت می کند. حتّی گاهی

وقتی می خواهند فضای رعب آور را نشــان دهند. جنــگل تاریکی را به تصویر می کشــند که صدای زوزه گرگ در آن شنیده می شــود. آن وقت است

كه مخاطبان فكرمي كنند جنگل جاي مخوف و

ساس آزادگی شخصیت را نشان دهند، او بالای

ـت را پاره و در هوا رها می کند. دوربین هم از

محیطزیست دل پـری از آن دارد؛ «بعضـ فیلمهایی که ساخته شـد، نهتنها محیطزیس

در این فیلم مسیتقیما طرفداران محیطن بس

مستلزم در گیر کردن مخاطبان است. اتفاقی که به ندرت در فیلمهای محیطزیستی سالهای اخیرنظیر «تارنجی پوش» به کارگردانی داریوش مهرجویی یا «طعمشیرین خیال» به کارگردانی کمـــال تبریزی افتاد. هم دوی ایـــن فیلمها در نند. هر چند که ــتاورد زيادى نداشً گىشە دىـ ۔ «تارنجی پوش» بـــاز هم به دلیل ســـتار هایش «لیلا حاتمی» و «حامد بهداد» توانست فروش قابل توجه تری داشته باشد. اما بزرگترین مشکل این دو فیلم مستقیم گویی و نداشتن داستانی و در گیر کننده اسم ت. هردوی این فیلمها تنها با شــعار هایی که به صورت دیالوگ از زبان تەرىپى تەرىغىلم شنىدە م ,شد،میخواستند شحصیتهای فیلم شنیده می شد، می حواستند مخاطبانشــان را بــه حفاظت از محیط زیســت دعوت کنند. برای همین اســـت که درویش هم بر این نکته که ضعیف ترین بخش هــاً در حوزه محيط زيســـت، بخش فيلمهاى داســـتانى بلند ت صحه می گذارد و می گوید: «فیلمسازان است صحه می ندارد و می دیارد. بزرگ ما به سختی از موضوعات محیطزیستی استقبال می کنند. آقسای مهرجویسی و آقای تبریزی میتوانند فیلمهایی بسه مراتب تأمل رانگیز تر و بهتری درباره محیط زیست بسازند.» ، در بر رور به رک رو در بان می کند: «شــما مختاری هــم در این مورد بیان می کند: «شــما فکر کنیــد یک تیزر تبلیغاتــی درباره یک پفک بسازید. تازمانی که آُن تیزر مردم را وادار نکند تا بروند و آن پفک را بخرند. آن تیزر هیچ ارزشــی تمحيطي هم ندارد. کارگردان یک فیلم زیس بايد اينچنين به ماجرا نگاه کند. فيلم بايد بتواند

> ـندهای به مــن مراجعه کرده بودو میخواس ىوقت پيش نويس شکارچیشہ تعجب کر د کارگردان یک فیلم زیستمحیطی هم باید چُنین به ماجراً نگاه کنــد. فیلم باید بتواند بر رفتار مردم تاثیر بگذارودر آنها تعلق خاطری محيطز يستايجادكند

بر رفتار مىردم تاثيربگىذار و در آنها تعلق

خاطرى نسبت به محيطز يست ايجاد كند. »البته به نظر میرسد دستاورد برنامه های تلویزیونی . بندهای محیط زیستی به مراتب بهتر و یشتر است. درویش به برنامههای «ایرانگرد»، «حیات خانهما»، «طبیعــت ۳۶۰»، «صل ۵۰» یا «سرزمین من» اشاره می کندو می گوید: «اینها هم برنامه هایی است که درخصوص ااینها هـــم برنامههایی اس بحيطز يست از صداوسيما يخش شدند و بسيار تاثیر گذار بودند. هرچندکه معتقدم صداوسیماً میتواند برنامههای گفتو گو محوری همانند "هفت» یــا «نود» هـــم درباره محیطزیســت داشته باشدو مخاطب را بيشتر و بهتر در گير ىحىط: ىستكند.»

تصاوير کم یاگاهااشتباهاز حیاتوحش رضا مختاری معتقد است، رس دارند تا مردمُ راً بمبــاران تصويرُ ى كنند. أَنقَدر به آنها تصاویری از محیطزیست کشورشیان نشان دهند تا نسبت به آن احساس تعلق خاطر نندها، فيلمها، سـريالها، عكسهاً وحتى انيميشننها همم مى تواننند منبع اين بمباران تصویری باشــند. او با مطرح کردن این ســوال که «ما چقــدر تصویر از محیطزیسـت خودمان به مردم نشــان دادهایم؟» بیان می کند

ـــتقيم گويي بهتر ميتواند ــزایی دارد.

بہ کند که «غبا مس ی یک فرهنگ را برای مخاطب جابیندازد.» به نظر او هم به رســمیت شناخته شــدن «محیط بان» به وســیله یک ســریال اتفاق مهمی اسـت. اما بختاری تنها پرداختن «پایتخت۳» به این گروه از محافظان محیطزیست را عامل تاثیر گذاری ّن نمیداند؛ «این سّریال مجموعه موفقی بود، چاشنی طنز داشت، شــخصیتهایش به خوبی به داخت شــده بودنــد. م ده با شــخصیتهای پرداخت شده بودنـد. مردم با شـخصيتهای پرداخت همذات پنـداری داشـتند. بـرای همین است که این سریال توانست تاثیر گذار باشـد. همان طور که بچههای کوچک هم بعد از ،یدن سریال «شـاهگوش» دلشان میخواست یک مقوله در جا افتادن آن نقش ب یک مقوله در جا افتادن ان نقش بســزایی دارد. سردبیر مجله «سرزمین من» مثالی هم برای این گفتهاش می آورد؛ «سینمای هالیوود سال هاست که آلمانی ها را بدترین موجودات کر مزمین نشان مىدهد. آنها آنقدر فيلمهاى جذاب باقصههاى در گیر کننده در این زمینه ساختهاند که دیگر این موضوع برای مخاطبانشان جاافتاده است. درواقع

آنها به جای استفاده از روش مستقیم گویی، از

زهرانجفی |دیر زمانی است که دلسوزان ت» پی بر دہاند، سینما و و فعالان «محيط زيس ر بالی به مورت کلی رسانه های تصویری ابـزار قدر تمندتری برای تحت تأثیـر قرار دادن ، روز این روی روی عمـــوم جامعـــه هســـتند. چراکـــه محافظت از محيطز يســـت نيازمند آگاهي و هوشياري همه افراد جامعه است و نمی توان صرف با صرف بودجه ای اندک یا گماردن چند مأمرور از آن حافظت کرد. اما در سینما و تلویزیون ایران، آنطور که باَید و شــَاید مقوله ُ«محُ م. مىورد توجه قىرار نمى گيرد. هر چنىد كه اكثر هنرمندان ایرانی خوددغدغه های محیطزیستی دارند، نمونهاش درخواست هنرمنددان برای اختصاص دادن یار انه هایشــان به حل مســائل زیســـتـمحیطی وُ آلودگــی هــوا که دوســال پیش صــورت گرفت یــا نامــه ۱۳۰ هنرمند به به یا مرکز کر ۔ رئیسجمهوری که خواستار حفاظت از جنگل مازیچال، قدیمی ترین جنگل تاریخ جهان شده بودند. بااین حال این ابزار های قدر تمند که رئیس ساز مان حفاظت از محیط زیست هم به آن اذعان دارد، همچنــان کُمِیهره باَقَــی ماندهاند و هنوز بسیاری از افراد جامعه را نتوانستهاند تحت تأثیر . خود قرار بدهند. در این گزارش مروری داریم بر تعدادی از آثار بصری اندک درباره مح و علل کار آمد یا ناکار آمد بودن آنها.

كزار

فیلمسازانموضوعات محیطزیستیرا جذاب، گیشه پسندو پرفروش نمیدانند مرور فیلمها و سـریال ایک که مستقیما به محیطزیسـت پرداختهاند، کار سختی نیست. چراکـه تعدادشـان بسـیار اندک است. یک ۔ بتقیما به . قســمت از مجموعــه «تابه تا(زیزی گولو)» به کار گردانی مرضیه برومند، سریال «آب پریا» به کار گردانی مرضیه برومند، سریال «پایتخت۳» به کارگردانی سامان مقدم، فیلمهای سه گانه خسرو معصومی «رسم عاشق کشی»، «جایی در دوردست» و «باد در علفزار می پیچد»، «روزی کـه هوا ایسـتاد» بـه کار گردانــی نادر براهیمی (اکبران نشیده)، «تر کش های صلح» ر - بایی از علی شــاهحاتمی، «رقص خاک» از ابوالفضل جلیلی، «دانههای ریز بــرف» از علیرضا امینی، . . . یکی «خمره»، «مــرد کوچــک» و «بچەهای نفت» از ابراهیــم فروزش، «یــک تکه نــان» از کمال نبریزی، «جســـتجو در جزیره» بــه کار گردانی بهدی صبــاغزاده، «مزرعــه آفتابگــردان» به کار گردانی فریــدون حســن پور و... نمونهای از فىلمھايى ــتند که در رابطه بامحیطزی ···· » مناحته شــدهاند. بعضی از آنها ماندگار شدند، بعضی هم اصلانه فروشی داشتند و نه تاثیری. با این حــال حجم آثار تولید شــده، نســبت به بت محیطزیست در زندگی انسان، بسیار کم است. محمد درویش، مَدَیر دفتر مشارکتهای بردمى سازمان محيطز يسبت هم اين موضوع ا میداند و به «شهروند» می گوید: «حجم آثار ، در حوزه محيطزيس بزرگ فعالیتُ هـــای کانال ُهای متعدد تلویزیون ۔ خصوصا آثــاری که بر بســـيار کم و ناچيز اســت. خصوصا آثــاری که کار گردانان بزرگ آن را ساخته باشند، به مراتب ۔ .رو ان ر بن زمینه کمتر اس . سنماً هم ت. در مورد سـ بايد بگويم سينماي ما جزو صنايع ممتاز ايران است که در مجامع بینالمللی بارها و بارها مورد تشــویق قرار گرفته و این موضوع نشان میدهد ک اگر این سینما یا برزرگان آن وارد حوزه محیطزیست شـوند می توانند تأثیر عمیق تری داشته باشند.»متاسفانه این اتفاق هنوز نیفتاده سينماكران حرفهاي به مقوله محيطز يست و سیبت برای برد ی به سور ۲۰ میشود. به شــکل موضوعــی جــذاب، گیشه پســند و پرفروش نــگاه نمی کنند، اینهــا را او می گوید و سی افزاید: «سینماگران ما با ساخت فیلم های محيطى هم مىتوانند براى خودشــان جًایگاه اجتماعی به دست بیاورند و هم در مجامع بین المللی مـورد تقدیر قرار بگیرنــد. حتی اگر کمی بیشـــتر تلاش کنند، گیشه پرفروشی هم خواهند داشت.» رضا مختاری، سردبیر مجله خواهند داشت.» رضا مختاری، سردبیر مجله «سـرزمین من» یکـی از معدود یـا حتی تنها بجلاتی است که درخصوص محیطزیست ننتشر میشود، هم معتقد است سینما میتواند مجلاتی اسـ نزایی در زمینه محیطزیست داشته نقش بس باشند، او به «شهروند» توضيح ميدهد: «مردم مهمترين عامل در حفظ محيطزيست هستند. حالااین که ما چط۔ور بتوانیم مردم را در گیر این ىاجرا كنيم خــودش جاي بحث زيــادي دارد. شـاید سـازمان ُهای مردمنهاد یا دولتی باشند که وظیفهشـان جا انداختن مفهوم حفاظت از محیطزیست برای مردم باشد. بهطوری که این مفهوم برای آنها ملموس شــود. اما اگر به جای کار شناسان و مسئولان، هنر مندان و ر سانه هایی نظیر سینما و تلویزیون انجام این کار را برعهده ۲۰۰۰ ند،قط•اتأثد بیشتری خواهدداشت.»

مینها و نویریون، دیم، این کار را بر ،،قطعا تأثیر بیشتری خواهدداشت.» قصه**های جذاب ودر گیر کننده** تاثير گذار ترند

۔ تبلیغات در این زمینه حرف بیشتری میزند و تبلیغ از سوی مدیومهای تصویری به خصوص اگر داستانی هم در کار باشد، تاثیرات بیشتری ہی تواند بگذارد. به همین دلیل است که مختار ی ی گویــد چنــدی طول کشــید تــا محافظان محیطزیست برای ماهیگیران جنوب کشور جا بیندازند که فک ها،ماهی های آنها را نمی خورندو آنها باید از کشتن فک ها دست بردارند. شاید اگر این موضوع در قالب یک فیلم یا سریال نشان داده مى شد ما زودتر به نتيجه مى سيديم. زمانى كه ه بحث تاثیرات فیلمها، برنامهها و سریالهای تلویزیونی می رسیم، درویش می گوید: «بسیاری از برنامه ها یا مجموعه های تلویزیونی در خصوص

موجود است و این شیر تفاوت های زیادی به لحاظ آناتومی بدن با شیر آفریقایی دارد. اگر به

محیصریست بیرس ندارد. البت گاهی هم پیر ش می آید که آشار بصری تأثیر بالعکسی داشته باشیند و اصلا ساخت این آثار با تخریب محیطزیست یا ترویج تخریب



